یادداشت

تبعیض آشکار سقف نامرئی

مریم‌شیعه‌زاده

هنوز چند هفته‌ای تا آغاز ماراتن کنکور زمان باقی مانده بود. فشار امتحان‌های نهایی و استرس این آزمون، امان همه را بریده بود. معلم دیفرانسیل پای تخته بود تا آخرین صفحات کتاب را تدریس کند و پرونده این درس را برای همیشه ببندد. میانه تدریس بود، مکث کرد، روی صندلی نشست و حرف‌هایش را این‌طور شروع کرد: «تا چند سال دیگر همه شما مشغول خانه‌داری و بچه‌داری هستید و کاش لااقل به‌جای ریاضی، تجربی می‌خواندید که به درد زندگی‌تان بخورد». حرف‌هایش به قدری بهت‌آور بود که هنوز کلمه به کلمه‌اش را به خاطر دارم. حرف‌هایی که شاید بتوان گفت گونه‌ای معکوس‌شده از «اثر پیگمالیون» بود. اثر پیگمالیون یادآور نگاه دیگران به مهارت‌ها و توانمندی‌های افراد است و حرف‌هایی که بیش از ۱۰ سال از شنیدن آن می‌گذرد، نقطه عکس آن و نگاه این فرد به عدم توانمندی دختران دانش‌آموزش بود. دخترانی که به خیالش قرار بود تا همیشه نامرئی باقی بمانند. تعلیم و تربیت دختران در محیط‌های آموزش رسمی و غیررسمی برای فراگیری مهارت‌ها و تخصص‌ها، هیچ‌گاه برابر نبوده و گواه این ادعا نیز آمار و ارقامی است که خبر از سهم اندک زنان از بازار کار می‌دهند. نسبت اشتغال در زنان و در کشور ما چیزی حدود ۱۲ درصد است؛ درحالی‌که بیش از ۶۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. سهم ناچیز زنان از بازار کار، رنگ هشداری برای دولتمردان و سیاست‌گذاران در مسیر توسعه انسانی کشور است. سال‌هاست «درماندگی آموخته» در تاروپود آموزش رسمی و غیررسمی دختران لانه کرده است و به آنان کوشزد می‌کند که کمتر کسی از آنان انتظار دارد تا در برزخ‌سانی به موفقیت‌های شغلی دست پیدا کنند و برای ارتقا و به‌روزرسانی دانش و مهارت‌هایشان دست به کار شوند. در دنیای مرتبه‌بندی‌شده اشتغال، زنان برای اغلب در محیط‌های کوچک و مجزا، به انجام وظایفی می‌پردازند که نیازمند تمکین، ظرافت، مراقبت و ازخودگذشتگی است. نگرش سنتی در ایران از زنان می‌خواهد تا مسئول خانه و تربیت فرزندان باشند و اگر شغلی را برمی‌گزینند، این شغل با معیارهای زنانگی و انتظارات جمعی همخوان باشد. تقسیم کار جنسیتی، حول رسالت برساخت‌شده زنان صورت می‌گیرد که با نگاهی کیهان‌شناختی و ازلی توجیه می‌شود. این تقسیم کار از زنان انتظار اشتغال به اموری را دارد که در راستای نقش‌های فرعی و مبتنی بر نگرش جنس دوم است. اقتدار پدرسالارانه در عرصه اقتصاد و سیاست، سهم بیشتر مردان از بازار کار تخصصی و سهم بیشتر زنان از بازار کار غیرتخصصی را شکل می‌دهد و فارغ‌التحصیلان زن را در بهترین حالت، در مشاغل میانی نگه می‌دارد. برای مثال، حضور زنان در صنعت، بازارهای مالی و جایگاه سیاست‌گذاری که عرفا زنانه تلقی نمی‌شوند، کم‌رنگ است و فقدان قوانین حمایتی، همچنان حضور آنان را کم‌رنگ‌تر می‌کند. در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار اصطلاح «سقف شیشه‌ای» به کار گرفته شد. سقف شیشه‌ای به حضور اندک زنان در رده‌های بالای مدیریتی اشاره داشت که برخلاف موانع فیزیکی، قابل مشاهده نیست. این سقف محدودکننده از پیشرفت و ارتقای زنان و اقلیت‌ها جلوگیری می‌کند. درواقع تعصبات ناخودآگاه یا به بیان بوردیو «خشونت نمادین» که ساختارهای مدیریتی را از حضور زنان پاک‌سازی می‌کند. این سقف شیشه‌ای اشاره دارد که در فضایی ناعادلانه و نابرابر، از شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادهای زنان جلوگیری می‌شود. در کشورهای پیشرفته، تسهیل حضور زنان در بازار کار، به واسطه اصلاح یا تدوین قوانین صورت می‌گیرد. آموزش در مدارس دخترانه به سمت خودانگیزی و خودباوری حرکت می‌کند و بیش از اینکه زنان برای انجام فعالیت‌های فیزیکی و کسب مهارت‌های تخصصی دعوت می‌شود، برای مثال در کشور فنلاند، مرخصی زایمان با برخورداری از حقوق کامل و اختیار زنان و مردان است تا همسران با حمایت بدون نگرانی از آسیب به شغل خود، برای استفاده از مرخصی تفاهم کنند. مراقبت والدین نیز در ادامه مسیر رشد کودک، مسئولیت‌های مراقبتی مساوی برای پدر و مادر در نظر می‌گیرد. همچنین دولت فنلاند اقدام به ارائه خدمات مراقبت از کودک باکیفیت و مقرون‌به‌صرفه می‌کند. در این کشور صاحبان مشاغل موظف به پرداخت دستمزد برابر به قوانین ضد تبعیض جنسیتی به زنان کمک می‌کند در محیطی امن و به دور از آزار و اذیت به کار خود بپردازند. برنامه‌های حمایتی نیز به ترویج کارآفرینی زنان می‌پردازد و هدف‌گذاری این کشور، پیرو «سهم زنان در عرصه‌های مدیریتی و ساخت‌گذاری است. همزمان با روی کار آمدن دولت جدید، انتظار می‌رود تا شاهد حضور پررنگ‌تر زنان در میان مدیران و وزیران انتسابی و به‌کارگیری خبره بیشتر زنان نخبه و توانمند باشیم. پرداختن به تبعیض‌های ساختاری در فرهنگ، جامعه و قوانین می‌تواند به آگاهی عمومی و افزایش مطالبه‌گری منجر شود؛ چراکه برای شکستن این سقف شیشه‌ای، چاره‌ای جز فرهنگ‌سازی، اصلاح قوانین و ایجاد فرصت‌های برابر و عادلانه در کشور وجود ندارد.

خبر

هشدار درخصوص صدور گواهی‌نامه‌های رانندگی بین‌المللی

مهر: در پی بروز مشکلات حقوقی مختلف به دلیل استفاده از گواهی‌نامه‌هایی به غیر از گواهی‌نامه‌های رانندگی بین‌المللی تحت نظارت و تأیید FIA، برای برخی ایرانیان در خارج از کشور، مدیر روابط عمومی و امور رسانه اتحادیه جهانی‌خودرو و اتومبیل‌رانی (اطلاع‌رسانی به هم‌وطنانمان را مرور داشت و یادآور شد: متقاضیان دریافت گواهی‌نامه‌های رانندگی بین‌المللی باید توجه داشته باشند. بر اساس قانون اصلاح ماده ۲۲ قانون حمل‌ونقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۸ شهریور سال ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی و همچنین به واسطه عضویت کانون در کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۴۹ ژنو و ۱۹۶۸ وین، کانون جهانگردی و اتومبیل‌رانی جمهوری اسلامی ایران وظیفه صدور گواهی‌نامه‌های رانندگی بین‌المللی و سایر اسناد و مدارک بین‌المللی خودرو از جمله پلاک ترانزیت و کارنه دوپاسار در ایران را بر عهده دارد. شهاب مامیر با بیان اینکه یکی از ویژگی‌های اصلی گواهی‌نامه‌های رانندگی بین‌المللی ترجمه به هفت زبان زنده دنیا و از جمله زبان انگلیسی است، تصریح کرد: به‌کارگیری زبان انگلیسی در گواهی‌نامه ملی کشورها به معنای عدم نیاز به گواهی‌نامه بین‌المللی برای رانندگی در خارج از کشور نیست. کما اینکه در کشورهای انگلستان، آمریکا، کانادا و استرالیا که زبان رسمی آنها انگلیسی است نیز کانون‌های جهانگردی و اتومبیل‌رانی همان کشورها گواهی‌نامه رانندگی بین‌المللی را به‌صورت یک سند جداگانه برای شهروندان خود، صادر می‌کنند. متأسفانه سالانه تعدادی از گردشگران و مسافران ایرانی در خارج از کشور، پس از بروز حوادث جاده‌ای یا ارتکاب تخلفات رانندگی، با دلیل عدم استفاده از گواهی‌نامه‌های رانندگی بین‌المللی رسمی صادرشده از سوی کانون جهانگردی و اتومبیل‌رانی، دچار مشکلات جدی امنیتی و حقوقی از جمله حبس های چندین‌ساله و جریمه‌های سنگین نقدی می‌شوند. مامیر همچنین درخصوص گواهی‌نامه‌های رانندگی بین‌المللی صادرشده از سوی شرکت‌های متفرقه یا عضو غیرمرتبط خبرساز حشدار داد و گفت: این گواهی‌نامه‌ها که با اعتبار ۱۵،۱۰ و ۳ ساله و به زبان انگلیسی صادر می‌شود اعتبار قانونی ندارد و تنها استفاده از آن در خارج از مرزهای ایران بر عهده دریافت‌کننده گواهی‌نامه خواهد بود.

یک شخاص برای تعیین کابینه و وزرا مشخص شده که یکی از این شخص‌ها این است که ۲۰ درصد اینکه ازران تشکیل شود. وقتی ما می‌گوییم کابینه یعنی معاونان و وزرا. در این کمیته‌هایی که در وزارتخانه‌ها که در وزارتخانه‌ها تشکیل شده این مسئله مربوط به وزارتخانه‌ها است. فهرستی از زنان تهیه کردند و از این افراد اطلاعات گرفته می‌شود. زنان را بررسی می‌کنند که ببینند از این زنانی که با لحاظ تخصص و تجربه و توانایی اسمشان مطرح است و این شخص‌ها را دارند. کدام از این افراد امکان اینکه کابینه یا وزارتخانه یا معاونت وزیر بعد از انتخابات بشود. البته همچنان من فکر می‌کنم ما نمی‌توانیم جلوی آزمایی و غیرواقعی به موضوع بگیریم. همچنان آن نگاه مردسالارانه در این ساختار هم غلبه دارد. ولی در ترکیب نیروی راهبردی به‌هرحال فکر می‌کنم طی هفته آینده باید اتفاق بیفتد. ولی فکر می‌کنم که نه من و بلکه هر کسی که دارد در ایران کنشگری می‌کند، اگر معتقد به توسعه است و به دنبال دستیابی به لوازم توسعه پایدار است، اتفاق باید صدای زنان ایران را بیش از پیش بشنود.

یک مقداره به عقب برگردیم؛ روزی که آقای پزشکیان تأیید شدند و در جبهه اصلاحات به او رای دادید، شما خاصه در مورد زنان به ایشان چیزی گفتید؟

ببینید! ما دو تا سند در جبهه اصلاحات در این انتخابات تصویب کردیم؛ یکی سند راهبردی جبهه اصلاحات بود که آنجا اتفاقا به انواع نابرابری‌ها موجود به‌ویژه نابرابری جنسیتی اشاره کردیم. و اینکه آیا ما داریم تلاش می‌کنیم برای اینکه این امکان را در ساختار حقوقی کشور فراهم کنیم برای تحقق حقوق شهروندی و به هر حال رسیدن به موقعیت ایران برای همه ایرانیان. یکی این راهبرد بود که در آن به حقوق شهروندی تاکید شده بود. یکی هم میثاق‌نامه‌ای که ما به تصویب جبهه اصلاحات رساندیم و آنجا شرط حضور کاندیداها برای ارائه برنامه‌شان و پرسش و پاسخ و رای‌گیری در جلسه مجمع عمومی جبهه اصلاحات، پذیرش مفاد این میثاق‌نامه بود. یکی تعهد به یک جامعه برابر که به فرض اگر ما مثلا ۱۰ تا کاندیدا هم داشتیم، همه کاندیداها به نفع آن کسی که رایش بیشتر است، کنار بروند. وجه، تعهد به یکپارچه ملت، حقوق شهروندان، اقلیت‌ها، اقوام، زنان به گفته خودمانی که بر حال حقشان نادیده گرفته شده و امروز به دنبال پاسخگاه و مامنی هستند که این حق را پیگیری و اعاده کند. خب! در بحثی هم که ما داشتیم در پرس‌های هم که مطرح شد به این مسئله توجه شد.

بحث دیگر این بود که آقای پزشکیان با هرکسی که کاندیدای ماست، بتواند شرط را در ریل توسعه قرار بدهد. اینها تمامًا به نظر من کلیدواژه‌هایی است که اتفاقا نشان می‌دهد که برای جبهه اصلاحات فصل سوم قانون اساسی و حقوق ملت حائز اهمیت است و خواهد بود. حق شهروندی حائز اهمیت بوده و خواهد بود و در ادامه هم آن چیزی که برای ما مبنای قضاوت درمورد عملکرد آقای پزشکیان است. این است که ایشان در طول دوره فعالیت خودش که ما البته داریم چارچوب تعیین می‌کنیم برای این ارزیابی و نظارت و پرسشگری؛ تا چه اندازه توانسته در جهت تحقق خواست مردم ایران موفق عمل کند. یکی از این شاخص‌ها بحث زنان است.

آقا بعضی وزرای زن که بنظر شما چقدر می‌تواند و باید شود؟ ما داریم یکسری کمانه‌نمایی درباره وزیر فناوری و راشان و وزیر آموزش و پرورش می‌شنویم. می‌خواهم واقعی صحبت کنیم. آیا به نظر شما در کابینه وزرای زن خواهیم داشت؟

یک شاخص برای تعیین کابینه و وزرا مشخص شده که یکی از این شاخص‌ها این است که ۲۰ درصد کابینه از زنان تشکیل شود. وقتی ما می‌گوییم کابینه یعنی معاونان و وزرا. در این کمیته‌هایی که در وزارتخانه‌ها تشکیل شده این مسئله مورد توجه است. فهرستی از زنان تهیه کردند و از این افراد اطلاعات گرفته می‌شود. رزومه‌هایشان را بررسی می‌کنند که ببینند از این زنانی که به‌لحاظ تخصص و تجربه و توانایی اسمشان مطرح است و این شاخص‌ها را دارند. کدام از این افراد امکان اینکه کابینه یا وزارتخانه یا معاونت وزیر معرفی‌شان کنند وجود دارد. البته همچنان من فکر می‌کنم ما نمی‌توانیم جلوی آزمایی و غیرواقعی به موضوع بگیریم. همچنان آن نگاه مردسالارانه در این ساختار هم غلبه دارد. ولی در ترکیب نیروی راهبردی به‌هرحال فکر می‌کنم طی هفته آینده باید اتفاق بیفتد. ولی فکر می‌کنم که نه من یکی‌یکی مطرح کند. آنهایی که می‌خواهند از مجلس برای اعتبار بگیرند و معاونان خودشان را مشخص کنند؛ همین که تاکید دارند زنان در روند راهبردی حضور داشته باشند تا بحث زنان را پیگیری کنند. یک بخشی از آن مسیری است که باید طی می‌شد برای جریان‌سازی ایجاد فرصت‌های برابر. اما مهم‌تر از آن به نظر من تداوم مطالبه‌گری قوت زنان است. ما در جبهه اصلاحات پیگیر خواهیم بود اما فکر می‌کنم فعالان حوزه زنان هم فکر نکنند با انتخاب آقای پزشکیان و بخشی که اعتماد کردند و رای دادند یا حتی آن بخشی که نیامدند، آنها هم باید به این باور برسند که اگر قرار است تغییری اتفاق بیفتد از همان مسیر باید به مطالبه‌گری خودشان ادامه دهند. ما هرآنی نداریم غیر از اینکه این مطالبه‌گری را ادامه دهیم تا این ساختار مردسالار در حاکمیت ایران تکانی بخورد و قدرت‌های در این اجازه شود که جامعه ایران و زنان ایران اتفاقا به این باور برسند که به. در ساختار حکمرانی کشورمان مسائل زنان باید دیده می‌شود و به مسائل زنان توجه می‌شود. توانایی زنان ایران هست.

من فکر می‌کنم نباید دست روی دست گذاشت و باید این مطالبه‌گری را ادامه داد و زمینه‌ساز هم در دولت چهارم‌مه به اعتقاد من وجود دارد. اینکه حتی بیشتر از یک ویژن زن هم نشان معرفی کنند. به نظر من امکانش مهیاست و به‌هرحال امیدوارم جبهه‌هایی که تشکیل شده حداقل چندین خروجی زن داشته باشد که چون مجلسی داریم که کاملا در تقابل با دولت آقای پزشکیان است. هر رئیس‌جمهوری درخصوص کابینه به طور مشخص بخشی از وزارتخانه‌ها باید تأییدیه رهبری را بگیرد و تا تأییدیه ایشان را نگیرد نمی‌تواند وزارتش را به کابینه معرفی کند.

امیدوارم این پیام تغییر زنان ایران نه فقط به کشور دولت چهارم‌مه، بلکه در این سمت و سوی تغییر زنان ایران به فقط به یک انسجام فکری و عملیاتی برسد.

ما قبل از اعلام نظر شورای نگهبان و در شرایطی که آمدیم سازوکار مشخص کردیم و نامزد مشخص کردیم و به لحاظ تحقق اهدافی که دنبال می‌کردیم در نقطه صفر در انتخابات ۱۴۰۳ قرار داشتیم؛ یعنی در وضعیت حیرو در طول یک فاصله زمانی خیلی کوتاه و محدود از جهه به انتخاباتی رسیدیم که از داخل آن رئیس‌جمهور کاندیدای اختصاصی اصلاح‌طلبان بیرون آمد. نمی‌دانم این را چطور می‌شود توجیه کرد. نکته مهمش این است که من فکر می‌کنم کشور برای اینکه بتواند به وفاق جمعی در شرایط موجود برسد و به یک آشتی ملی و وحدت ملی برسد، باید از هر زمان باز به اعمال این نوع مدیریت دارد. نیاز به افرادی دارد که وقتی در رأس چنین تشکیلات و جریان‌هایی قرار می‌گیرند، نگاه‌شان نگاه مادرانه باشد. مادری که هیچ چیز برای خودش نمی‌خواهد. مادری که می‌خواهد درواقع تکامل و حرکتی بکند که مجموعه نیروهای حاضر در کشور و جامعه اجرا در این اتفاق سود ببرد. اتفاقا اینکه این مجموعه نیروهای حاضر در کشور و جامعه اجرا در این اتفاق سود ببرد. به هر حال توان، ظرفیت و شایستگی‌های ۵۰ درصد از جمعیت کشور در کشور ما نادیده گرفته می‌شود. زنان ما هنوز نتوانسته‌اند استاندار شوند. زنان ما فقط یک بار توانستند در سطح وزارت حضور پیدا کنند. زنان هنوز در هیچ رقابت انتخابات ریاست‌جمهوری اجازه حضور را هم نداشتند و تمام اینها به ضرر جامعه ایران و به ضرر حکومت ایران است. این امکان اگر فراهم شود، من فکر می‌کنم آن‌موقع من می‌توانم بگویم خلیلی خوب و کوچمی از جامعه توانسته‌اند با حضور و حرکت‌شان قدرت بی‌قدرتان باشند. ما هنوز تا آن مرحله خیلی فاصله داریم.

در این دوره از انتخابات بخش عمده تحریم‌ها زنان بودند؛ درحالی‌که زنان چه در دولت اقتای حاتمی و چه در دولت آقای روحانی، بیشترین کسانی بودند که رای دادند و مطالبه کردند. تمامی این نفوذ و تحریم را از اصلاحات جدا کرد و درواقع تحریم زنانه، تحریم جبهه اصلاحات هم هست. درست است که آقای پزشکیان بالاخره رئیس‌جمهور شدند. ولی زنان چندان نقشی در این ماجرا نداشتند؛ درحالی‌که زنان ما همیشه رئیس‌جمهورسازا بوده‌اند. شما برای حل این شکاف چه خواهید کرد؟

من ابتدا به انتخابات برگردم. ببینید نداشته در هیچ انتخاباتی با مشارکت زیر ۴۰ درصد نامزد اصلاح‌طلبان نفر اول باشد و بالاترین رأی را بیاورد. همه فرابوردها حاکی از این بود که اگر مشارکت به بالای ۵۰ درصد برسد، امکان اینکه انتخابات به دور دوم کشیده شود وجود دارد و هر چقدر این درصد بالاتر برود، شانس بیروزی اصلاح‌طلبان تقریبا بیشتر است.

خب این خیلی معنا و پیام دارد. اتفاقا این نشانه آن است که به تعبیری به نوعی اگر اصلاح‌طلبان در این انتخابات شرکت نکرده بودند و نامزد نداشتند، درصد مشارکت در دور رای آقای سعید جلیلی و قالیباف در دور اول انتخابات بود؛ یعنی حداکثر ۱۲،۱۰ میلیون. چون رقابت بین آقای سعید جلیلی و آقای قالیباف آن‌قدر معنادار نبود که بتواند میزان مشارکت را بالا ببرد. تفاوت آرای آنها هم این را کاملا نشان داد. این حاکی از آن است که ما

یک شاخص برای تعیین کابینه و وزرا مشخص شده که یکی از این شاخص‌ها این است که ۲۰ درصد اینکه ازران تشکیل شود. وقتی ما می‌گوییم کابینه یعنی معاونان و وزرا. در این کمیته‌هایی که در وزارتخانه‌ها که در وزارتخانه‌ها تشکیل شده این مسئله مربوط به وزارتخانه‌ها است. فهرستی از زنان تهیه کردند و از این افراد اطلاعات گرفته می‌شود. زنان را بررسی می‌کنند که ببینند از این زنانی که به‌لحاظ تخصص و تجربه و توانایی اسمشان مطرح است و این شاخص‌ها را دارند. کدام از این افراد امکان اینکه آقای پزشکیان با این وزیر معرفی‌شان کنند وجود دارد.

اگر باور به توسعه وجود داشته باشد که به اعتقاد من محور آن «انسان» با یک شکاف بین دولت و جامعه ایران اتفاقا مواجه هستیم. وقتی در این سطح از مشارکت نامزد اصلاح‌طلبان نفر اول می‌شود، معنای دیگر آن اتفاق ریزش اصولگرایان است. آنها باید می‌آمدند در انتخابات شرکت می‌کردند که نامزد اصلاح‌طلبان با این میزان رأی نفر اول نشود. آنها نیامدند. یعنی این شکاف الان فقط متوجه بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان و آن بخشی که با انتخابات و صندوق رای قهر کردند، نمی‌شود؛ یک طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. اینجا اتفاقا بحث زنان بسیار مهم است؛ چون خاطرم هست در انتخابات ۹۶، آمارها که بیرون آمد، زنان ایران بیش از ۵۰ درصد در انتخابات شرکت کرده بودند و مردان زیر ۵۰ درصد رأی داده بودند. خب زنان فعال بودند، پویا بودند و به امید تغییر آمده بودند، به امید بهبود شرایط خودشان آمده بودند. آقای روحانی وعده‌هایی را داده بود، اما اتفاقات ۱۴۰۱ نشان داد که تمامی این مسیرهای طی‌شده برای تحقق حقوق زن ایرانی با صخره ستبر برنست مواجه شده است. بی‌دلیل نیست که چالشی به اسم حجاب در جامعه ما شکل می‌گیرد. دلیل اصلی آن همان عدم دسترسی به فرصت‌های برابر است. اعتراضات ۱۴۰۱ و مجموعه اتفاقاتی که پس از آن رخ داد، به اعتقاد من بیشتر از هر چیز گویای این تبعیض و فشاری بود که برای زنان ایران وجود داشت و اگر آنها رأی را در انتخابات ۱۴۰۲ و انتخابات ۱۴۰۳ هم نشان داد. اگر ۱۴۰۴ هم بود، خیلی فرق نمی‌کرد (در این وضعیت چندان فرق نمی‌کرد)؛ چون معنای این عدم مشارکت زنان ایران به اعتقاد من این است که باید مطالبات خودشان را از مسیری غیر از انتخابات پیگیری کنند. انتخابات نمی‌تواند مسیری باشد که آنها مثلا در ساختار دولت یک معاونت زنان، بتوانند مسئله‌شان را حل کنند. یک لایحه تأمین امنیت زنان ۱۲ سال است که از زمان دولت اول آقای روحانی مطرح بوده و آن‌قدر بین قوه قضائیه و مجلس و دولت رد‌وبدل شده و آن‌قدر چرخیده و بخش‌هایی از آن حذف شده، اما هنوز این لایحه با اینکه به گفته خیلی از کارشناسان شده شر بی‌بال و کوپال و دم و اشکن، تصویب نشده است! این نشان می‌دهد به هر حال این تلقی وجود دارد که این ساختار نمی‌خواهد زنان ایران به لحاظ حقوقی دسترسی پیدا کنند. این یعنی زنان ایران از این مسیر نمی‌توانند به مطالبات خودشان دست پیدا کنند. بحث دیگر این است؛ یعنی کار آقای پزشکیان را در دولت چهارم‌مه بسیار سخت می‌کند. اگر قرار باشد در چهار سال بعدی (۱۴۰۷) نوع مشارکت زنان ایران متفاوت با این انتخابات باشد، باید کام‌هایی جدی برداشته شود؛ چه در زمینه پوشش زنان ایران و برخوردهای پلیسی و قهری که دارد به بهانه پوشش زنان صورت می‌گیرد و چه انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌های که در حوزه میان دسترسی زنان به فرصت‌های برابر در کشور ما وجود دارد. این کار، کار دشواری است و به اعتقاد من با یک مدیریت زنان هم حل نخواهد شد. بلکه نیاز دارد یک نگاه جنسیتی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و چینش نیمود توسط دولت آقای پزشکیان صورت بگیرد. اگر می‌خواهد این اعتماد را از مردم زنان ایران ایجاد بکند که، شما از این مسیر هم می‌توانید مطالبات خود را پیگیری کنید. بنابراین در کوتاه‌مدت ما شاهد تغییر این نوع نگاه در جامعه زنان ایران نخواهیم بود. آنها باید به پذیرش واقعیت‌هایی که وجود دارد از این مسیر پیگیری کنند. حجاب‌بان می‌آید یک نوع برخورد می‌کنند، آن یکی جریمه‌اش می‌کند، یک نوع برخورد می‌کنند و... به این نتیجه رسیده‌اند که از این مسیر می‌توانند مطالبات خود را پیگیری کنند. چه از طریق حقوق اجتماعی محروم شدن و در هفته‌های اخیر شاهد اجرای احکام سنگین چند فعال حوزه زنان بودیم. من دیده فهرستی از اعلام حوزه زنان که احکام سنگین گرفته‌اند، در چند روز گذشته روانه زندان شده‌اند.

بله؛ کیلان. خب آنها این مسیر را انتخاب کردند. برای اینکه بشود یک مسیر توانمایی را ایجاد کنیم. مسیر مشخص است. آقای دکتر پزشکیان هم در گفت‌وگوهایی که ما داشتیم، گفته من این مسیر حرکت کنید و کام‌هایی را بردارد و به سمت دولت - ملت برود که رؤیای همیشگی دموکراسی‌خواهان و مشروطه‌خواهان در ایران بوده. شاید بتواند این فضا را ایجاد کند. نه فقط زنان، بلکه انواع گروه‌هایی از جامعه که دارند از تبعیض رنج می‌برند، اقلیت‌ها، اقوام و به‌هرحال گروه‌های محروم‌شده.

شما به عنوان رئیس جبهه اصلاحات و زنی که رئیس‌جمهورسازا بود، صدای اعتراضات زنان را شنیدید؟

بله. من فکر می‌کنم حداقل با توجه به تحلیلی که از جامعه ایران وجود دارد و کسی که مستقیما در ارتباط با مسائل زنان ایران کار می‌کند و خودش زن است و به عنوان یک زن این تبعیض را درک می‌کند و در این چارچوب قرار دارد و محدودیت‌ها را کاملا می‌فهمد و برای مثلا مردسالار را کام به کام و مرحله به مرحله مقابل خودش دیده و سعی کرده این موانع را از سر راه خودش کنار بگذارد. کاملا قابل درک است که واقعا زنان ایران با چه موانعی در راه برابری فرصت‌ها مواجه هستند. به‌هرحال من فکر می‌کنم اگر چنین درکی از جامعه ایران و به خصوص از مطالبات زنان ایران وجود نداشته باشد، عملا یک کنشگر چه می‌خواهد اصلاح‌طلب باشد و چه می‌خواهد هر نگرش دیگری داشته باشد در برقراری ارتباط با این بخش از جامعه هم ناکام خواهد ماند. و من به‌هرحال امیدوارم و آرزو می‌کنم این نگاه روزی آن‌قدر در جامعه سیاسی ما و در بین کنشگران سیاسی ما تعمیم پیدا کند که اتفاقا زنان ایران فکر کنند نه‌تنها مانعی برایشان وجود ندارد، بلکه برخی قرمز هم برایشان بهن شده و از آنها دارد دعوت می‌شود که بیایند و به توسعه کشور کمک کنند.

امیدوارم این پیام تغییر زنان ایران نه فقط به کشور دولت چهارم‌مه، بلکه در این سمت و سوی تغییر زنان ایران به فقط به یک انسجام فکری و عملیاتی برسد.

رئیس شورای عالی اصلاح‌طلبان در گفت‌وگو با «شرق»

زنان یاد گرفتند که مطالبات خود را با مقاومت مدنی پیگیری کنند

آذر منصوری، فارغ از آنکه هم‌اکنون رئیس یکی از تشکل‌های اصلی سیاسی کشور است، فارغ از آنکه در کجای سیاست ایران و با چه اعتقادی ایستاده، زن الهام‌بخشی است. کشاورزی می‌کند و از بدنه عادی مردم بود که توانست به جایگاه امروزش برسد. کمترزنی را در سیاست ایران دیده‌ایم که بدون هیچ علقه و ارتباطی، از شورای شهرستان شروع به بالاآمدن کرده باشد. او هنوز در فرجگ زندگی می‌کند. معلمی بازنشسته و کشاورزی که هنوز در مزارع می‌ایستد و حاصل دسترنج خود را می‌خورد. روزهای جلسات از قزوین سوار مترو می‌شود و خودش را به تهران می‌رساند. بعد دوباره سوار مترو می‌شود و به خانه بازمی‌گردد. به خانه ساده و صمیمی‌اش که زنان و جوانان زیادی میهمان سفره‌اش شده‌اند، با او حرف زده‌اند و از آرزوهای بزرگ‌شان برای سیاست ایران گفته‌اند. منصوری یک سال است که رئیس شورای عالی اصلاح‌طلبان است. چندان از حرف و حدیث نمی‌ترسد. پای عقایدش می‌ایستد و آنجا که فکر می‌کند نباید حرکتی کرد، می‌ایستد و تماشا می‌کند. هرچند او تصمیم‌گیرنده اصلی نیست و از قضا بسیار دموکرات است. اما به قول خودش توانسته مادری کند. دو هفته بعد از پیروزی مسعود پزشکیان، میهمان «شرق» شد. می‌گفت از ستاد خبری ندارد و کارش را کرده و تنها برای جلسات شورای عالی اصلاح‌طلبان به تهران می‌آید. در تصمیم‌های پزشکیان مداخله نمی‌کند، اما به آنچه اتفاق خواهد افتاد خوش‌بین است. شاید خوش‌بینی او به این باشد که پزشکیان را ملزم به پاسخ‌گویی به جبهه اصلاح‌طلبان کرده و روی قول او برای پاسخ‌گویی حساب کرده‌اند. موضوع گفت‌وگوی «شرق» با منصوری، نه انتخابات بلکه زنان و انتخابات بودند. زنانی که این بار جزء اصلی تحریم‌کنندگان بودند. منصوری گفت صدای اعتراض زنان را شنید. اما امیدوار است آقای پزشکیان و دیگران هم به خوبی این صدای قدرتمند به گوش‌شان رسیده باشد.

برای شروع می‌خواهم از شما سؤال کنم آیا آذر منصوری در نهاد قدرت می‌تواند قدرتمندترین زنی باشد که ایران پس از انقلاب در نهاد سیاسی تجربه کرده و به خودش دیده است؟

از نظر من هم همه زنانی که در این جامعه مردسالار برای تحقق حقوق انسانی زنان کنشگری می‌کنند، قدرتمندند. خب قضاوت‌کردن در این زمینه برای من دشوار است، اما یک نکته را خلاصه عرض می‌کنم. جبهه اصلاحات ایران در شرایط موجود متشکل‌ترین سامانه تشکیلات جمعی اصلاح‌طلبان است. ما هیچ تشکیلاتی در جریان رقیب نداریم که تا این حد بتواند یک گفتمان را رهبری و راهبری کند. البته در کنار آقای خاتمی این اتفاق میسر شده است.

این تشکیلات کاملا انتلافی است و امروز (در ایران امروز یعنی ایران ۱۴۰۳) همان‌طور که گفتم منسجم‌ترین تشکیلات انتلافی محسوب می‌شود. وقتی چنین جمعی به این نتیجه می‌رسند که فردی را به نام آذر منصوری رئیس این تشکیلات بکنند، به نظر من این خودش یعنی یک گام بلند که مجموعه جریان اصلاحات برداشته است. زنان ایران به لحاظ راهبری در ساختار قدرت چنین امکانی برایشان فراهم نیست. در ارکان قدرت چنین امکانی برایشان فراهم نیست. ولی این امکان در جامعه مدنی برایشان فراهم شده است که بیانید مثلا دبیرکل یک حزب یا رئیس یک تشکیلات انتلافی شوند. در شرایط موجود، این همان سقفی است که زنان ایران تا آن سقف رسیدند. اینکه چه زمانی بتوانند یا این قدرتی که گرفتند این سقف را کنار بزنند و به قدرت حقوقی در ساختار حقوقی ایران دست پیدا کنند، به اعتقاد من جامعه ایران و کشور هنوز به زمان زیادی نیاز دارد. در حال من فکر می‌کنم در تاریخ کنشگری زنان ایران حداقل سابقه نداشته که یک جریان سیاسی بتواند در این حد به یک انسجام فکری و عملیاتی برسد.

ما در ایران دوره از انتخابات بخش عمده تحریم‌ها زنان بودند؛ درحالی‌که زنان چه در دولت آقای حاتمی و چه در دولت آقای روحانی، بیشترین کسانی بودند که رای دادند و مطالبه کردند. تمامی این نفوذ و تحریم را از اصلاحات جدا کرد و درواقع تحریم زنانه، تحریم جبهه اصلاحات هم هست. درست است که آقای پزشکیان بالاخره رئیس‌جمهور شدند. ولی زنان چندان نقشی در این ماجرا نداشتند؛ درحالی‌که زنان ما همیشه رئیس‌جمهورسازا بوده‌اند. شما برای حل این شکاف چه خواهید کرد؟

من ابتدا به انتخابات برگردم. ببینید نداشته در هیچ انتخاباتی با مشارکت زیر ۴۰ درصد نامزد اصلاح‌طلبان نفر اول باشد و بالاترین رأی را بیاورد. همه فرابوردها حاکی از این بود که اگر مشارکت به بالای ۵۰ درصد برسد، امکان اینکه انتخابات به دور دوم کشیده شود وجود دارد و هر چقدر این درصد بالاتر برود، شانس بیروزی اصلاح‌طلبان تقریبا بیشتر است.

خب این خیلی معنا و پیام دارد. اتفاقا این نشانه آن است که به تعبیری به نوعی اگر اصلاح‌طلبان در این انتخابات شرکت نکرده بودند و نامزد نداشتند، درصد مشارکت در دور رای آقای سعید جلیلی و قالیباف در دور اول انتخابات بود؛ یعنی حداکثر ۱۲،۱۰ میلیون. چون رقابت بین آقای سعید جلیلی و آقای قالیباف آن‌قدر معنادار نبود که بتواند میزان مشارکت را بالا ببرد. تفاوت آرای آنها هم این را کاملا نشان داد. این حاکی از آن است که ما

برای جبهه اصلاحات فصل سوم قانون اساسی و حقوق ملت حائز اهمیت است و خواهد بود. حق شهروندی حائز اهمیت بوده و خواهد بود و در ادامه هم آن چیزی که برای ما مبنای قضاوت درمورد عملکرد آقای پزشکیان است، این است که ایشان در طول دوره فعالیت خودش که ما البته داریم چارچوب تعیین می‌کنیم برای این ارزیابی و نظارت و پرسشگری؛ تا چه اندازه توانسته در جهت تحقق خواست مردم ایران موفق عمل کند. یکی از این شاخص‌ها بحث زنان است.

**دبیرکل زن یک حزب کاملا سیاسی مانند حزب اتحاد به‌عنوان یک تشکل فراگیر پس از انقلاب هستید. در خاطرها هست که چالش‌هایی را پشت سر گذاشتید. این چالش‌ها هنوز هم هست؛ مشخصا درباره آذر منصوری است که کشاورز بوده و از خودش یله‌یله از شورای شهرستان و روستا شروع کرده و بالا آمده است. الان هم هست. من می‌خواهم بدانم که الان کجا ایستاده‌اید خانم منصوری؟ من می‌دانم که شما نمی‌خواهید معاون اول شوید و اصلا قرار هم نیست معاون اول شوید. فکر می‌کنید می‌توان